

قصه های مامان جون ها و بابا جون های بجنوردی

محمد علی صدری

www.ketab.ir

نشر

بوستان کاغذی

سرشناسه : صدري، محمدعلي، ۱۳۳۱-
 عنوان و نام : قصه‌های مامان جون‌ها و بابا جون‌های بجنوردی / محمدعلي
 پدیدآور : صدري.
 مشخصات نشر : اسفراين: بوستان کاغذی، ۱۴۰۰.
 مشخصات : ۱۵۳ ص.: مصور (بخشی رنگی)؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
 ظاهري
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۸۳-۹۵-۸
 وضعیت فهرست : فیپا
 نویسی
 موضوع : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
 موضوع : Collections -- Short stories, Persian -- ۱۴th century
 رده بندی کنگره : PIR۴۲۴۹
 رده بندی دیویی : ۶۲۰۸/۳۸۱۶
 شماره : ۲۶۹۷۴۸۲
 کتابشناسی ملی
 اطلاعات رکورد : فیپا
 کتابشناسی

قصه های مامان جون ها و بابا جون های بجنوردی

محمد علی صدري

۲۲۱۲/۲۴

ناشر بوستان کاغذی
 سال نشر چاپ اول، ۱۴۰۰
 تیراژ ۵۰۰ جلد
 قیمت ۵۰۰۰۰ تومان
 ویراستار حسن اسعدی
 صفحه آرا هادی حیدری
 شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۸۳-۹۵-۸

مرکز بخش: خراسان شمالی، بجنورد، نبش فردوسی ۱۸، انتشارات بوستان کاغذی

۰۹۱۵۷۱۶۹۴۹۶-۰۹۱۵۳۷۲۴۳۵۲

فہرست:

- ۱۱ قصہ عاج فیل
- ۱۷ قصہ پادشاہ و دھقان پیر
- ۲۲ قصہ مہشید مہربان و خواب پادشاہ
- ۳۱ قصہ کلجہ و اسب سفید
- ۳۹ قصہ شتران و مرد نادان
- ۴۴ قصہ خواہر و برادر مہربان
- ۵۲ قصہ روباه چیلہ گر
- ۵۹ قصہ مرد شیاد و غریب و برادران کوزہ فروش
- ۶۷ قصہ دختر خوش قلب و سنگ صبور
- ۷۲ قصہ راحلہ مہربان و شجاع و آشنا با زبان حیوانات
- ۷۸ قصہ پادشاہ و دختر دانایش
- ۸۷ قصہ ساسان و سامان
- ۹۷ قصہ شاہ و جمشید
- ۱۰۳ قصہ سہ خواہر
- ۱۰۸ قصہ مظفر شجاع و پری دلاور
- ۱۱۶ قصہ آقای ہالو خیال باف
- ۱۲۳ قصہ فرہاد و شیرین شجاع

مقدمه

تقدیم به پسر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایی که با چهره‌های نورانی، دست‌های لرزان و چشمان کم سو نگران بودند و جوانی خود را صرف رفاه و آسایش و آرامش ما کرده‌اند. عزیزانی که امروز پیر و ناتوان شده‌اند. به‌طوری‌که بعضی‌ها توانایی قدم برداشتن هم ندارند. ما که خود را جوان و مغرور و رشید می‌دانیم نباید آن‌ها را مانند نردبان‌های اسقاطی و میز و مبل‌های کهنه وسایل برقی سوخته، زیر گردوغبار فراموشی رها کنیم. ما باید به یاد بیاوریم لقمه‌های کوچکی که با دستان ظریف و نازکشان در دهانمان گذاشتند و با اولین قدم‌ها راه رفتن ما از ته دل خندیدند. و با اولین کلمه‌ها و جمله‌هایمان از شدت اشتیاق هورا کشیدند و برای اقوام و دیگران تعریف کردند. آری، آن‌ها درختانی باریشه‌های قوی بودند که ما شاخه‌های آن‌ها هستیم. پس نباید به جوانی خود بنازیم زیرا روزی ما همچون آن‌ها خواهیم شد. روزگار می‌چرخد و فصل‌ها از پشت‌هم می‌آیند و می‌روند. و برف

پیری بر محاسن ما نیز خواهد نشست و این دوران را تجربه خواهیم کرد. پس از حرفه‌ای گفته‌های این عزیزان کم‌حاصله ناراحت نشویم. ما تکیه‌گاه قوی و مستحکمی برای آن‌ها باشیم. یادمان باشد که آن‌ها روزی ما را با افتخار در آغوش گرفتند و دست‌هایمان را محکم گرفته‌اند تا مبادا بر زمین بیفتیم. بنا براین باید احترامشان را حفظ کنیم و در کنارشان بنشینیم. باید یاد کنیم آن شب‌های سرد زمستان را که ما را در آغوش می‌گرفتند و با قصه‌های شیرین و شعرهای زیبایشان و نقل خاطرات جوانی‌شان و لالایی‌های زیبایشان به خواب ناز می‌رفتیم. و باید یاد کنیم آن شبهای داغ تابستان را که در زیر پنجره اتاق با بادبزن‌های دستی و گاهی با یک مقوای ضخیم به صورتمان باد می‌زدند که گرما ازمان ندهد و با آرامش بخوابیم. باید یادمان باشد که حتی نمی‌توانستیم مکس را از روی سروصورت خود برانیم. این قصه‌ها صدای آنهاست که باوجود نبودن رادیو تلویزیون سینه‌به‌سینه به آن‌ها رسیده بود و از آن‌ها به‌عنوان یادگار اجدادشان به ما رسید.

آری به یاد بیاوریم که آن‌ها چه سرمایه بزرگی از ادب و حکمت، وعظ و پند، تربیت و فرهنگ، اخلاق و دین و خداآوری و خدادوستی را از رهگذر تعریف قصه و حکایت به ما منتقل کردند. من به‌عنوان یکی از فرزندان حق‌شناس و قدردان آن‌ها، این کتاب را تقدیمشان می‌کنم. کتابی که به بهانه گردآوری بعضی از قصه‌ها و حکایت‌های شیرین آن‌ها، در حقیقت نوعی قدرشناسی و احترام به

آنهاست. نگارنده در این کتاب کوشش کرده است تا با یادآوری قصه‌های پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و باباجون‌ها و مامان‌جون‌ها، حضور آنها را در زندگی پریچ‌وخم امروز، پررنگتر و ملموس‌تر نماید و سرمایه‌های تربیتی و اخلاقی گذشتگان را به فرزندانشان انتقال دهد. امید که توانسته باشم اندکی از گسست فرهنگی و دور شدن نسل‌ها را با نگارش آثار ادب شفاهی و سنتی، کاهش دهیم و از این رهگذر نسل گذشته و فرزندانشان را به گفتگو بنشانیم.

با تقدیم احترام محمد علی صدری

www.ketab.ir